

بررسی رابطه مشکلات تحصیلی و زناشویی با خودکشی در کودکان

نویسندگان: زهرا رجایی^{۱*}، فاطمه بهرام بیگی^۲، نوشین اشجع آروان^۳، مریم هجری^۴

۱: کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شبستر، تبریز، ایران (نویسنده مسئول)

۲: کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۳: کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

۴: کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد رودهن، تهران، ایران

چکیده:

هدف: هدف از پژوهش حاضر بررسی ارتباط میان مشکلات تحصیلی و ازدواج زودهنگام در کودکان با خودکشی می باشد. **نتایج** حاضر نشان می دهد که تعداد مطالعات مرتبط با این موضوع بسیار محدود است. اما تعداد معدودی مطالعات انجام شده نشان داده که بین ۵-۱۵ درصد کل خودکشی های کودکان سنین ۶-۱۶ ساله مرتبط با مشکلات تحصیلی بوده است. در این میان آمار دقیقی از خودکشی در کودکانی که زیر ۱۶ سالگی ازدواج کردند در دسترس نیست. اما نتایج پژوهش ها نشان می دهد اکثریت خودکشی های زوجین زیر ۱۶ سال مربوط به دخترانی می باشد که برخلاف میل خود و با اصرار خانواده ازدواج کرده اند. **نتیجه گیری:** پیشنهاد می شود روانشناسان و مشاوران علاوه بر بررسی مشکلات تحصیلی دانش آموزان و احتمال خودکشی، توجه بیشتری به رضایت ازدواج دختران زیر ۱۶ سال نشان دهند.

کلمات کلیدی: مشکلات تحصیلی، ازدواج، خودکشی

مقدمه:

ازدواج کودکان هنوز هم در بسیاری از کشورها، به ویژه در میان دختران، متداول است. در سراسر جهان ۷۰۰ میلیون زن قبل از اینکه ۱۸ ساله شوند، ازدواج کرده اند. این پدیده به طور خاص در جنوب صحرای آفریقا و جنوب آسیا (جایی که شیوع آن به ترتیب ۵۶ درصد و ۴۲ درصد است)، خاورمیانه و امریکای لاتین مورد توجه قرار می گیرد. با این حال، با توجه به اندازه جمعیت آسیای جنوبی و میزان ازدواج زودهنگام، تقریباً نیمی از دختران در ازدواج های زودهنگام در آنجا زندگی می کنند. (یونیسف^۱، ۲۰۱۹؛ ۲۰۱۲)

¹ UNICEF

ازدواج می‌تواند به تغییرات منحصر به فرد در زندگی یک کودک دختر منجر شود، کودکی که لازم است به طور ناگهانی به نقش‌ها و مسئولیت‌های بزرگسالان تن بدهد قبل از آن که آمادگی مقابله با این مسئولیت‌ها را داشته باشد (متور، گرین و مالهاترا^۱، ۲۰۰۳). هم‌چنین ازدواج یک گام به سوی استقلال است که علاوه بر بار مسیولیت پذیری، نیازمند تصمیم‌گیری و تعهدات جدی نیز است، اما دخترانی که زود ازدواج می‌کنند، نمی‌توانند با آن کنار بیایند زیرا ازدواج نیازمند سطح کافی از بلوغ و احساس مسئولیت است (احمد^۲ و همکاران، ۲۰۱۳). در بسیاری از نقاط جهان، ازدواج به معنای نقل مکان به خانه و محله جدید و ایجاد شبکه‌های اجتماعی جدید است که پیامدهای منفی برای سلامت روانی کودکان دارد (یونیسف، ۲۰۱۴). ازدواج کودک اغلب منجر به جدایی از خانواده و شبکه‌های اجتماعی می‌شود. این امر امکان به دست آوردن حمایت عاطفی و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی را کاهش می‌دهد که منجر به کاهش دسترسی به دارایی‌ها، منابع و سیستم‌های پشتیبانی اجتماعی می‌شود و محدود کردن توانایی‌های دختران متاهل برای ورزش کردن و عاملیت در زندگی آن‌ها می‌شود (سازمان جهانی بهداشت^۳، ۲۰۰۶؛ پرستون و اب^۴ و همکاران، ۱۹۹۰ و سینگ^۵، ۱۹۹۸). هم‌چنین برخی از کودکان دختر بی‌تجربه، همسرانی با سطح تحصیلات بالاتر از خود دارند و به خاطر این تفاوت سطح تحصیلات، کودکان دچار این تفکر می‌شوند که آن‌ها قادر نیستند پاسخگوی تمامی نیازمندی‌های خانواده باشند و یا گاهی اوقات در مورد مسائل بسیار کوچکی ممکن است توسط همسران خود تحقیر و شکسته شوند، ممکن است اجازه رفتن به خانه والدین خود را نداشته باشند یا در برخی موارد، آن‌ها پس از کتک خوردن مکرر برای یافتن احترام به خانه والدین خود باز می‌گردند که اغلب توسط پدر و مادرشان به خانه همسران خود باز می‌گردند تا ارزش اجتماعی و احترام پدر و مادر حفظ شود که این کار باعث می‌شود کودکان از احساس بی‌ثباتی و از دست دادن احترام خود رنج ببرند (احمد و همکاران، ۲۰۱۳).

ازدواج زود هنگام، چرخه بی‌سوادی و فقر را تداوم می‌دهد. ازدواج کودک اغلب منجر به ترک مدرسه، کاهش فرصت یادگیری و کسب مهارت‌هایی که آن‌ها را قادر به تولید درآمد و یا یافتن کار می‌کند، می‌شود (یونیسف، ۲۰۱۱). در سرتاسر دنیا دختران بیشتری نسبت به گذشته در مدرسه ثبت‌نام کرده‌اند. با این حال، این دختران به احتمال زیاد در سنین پایین ازدواج خواهند کرد و ثبت‌نام در مدرسه پس از پنج یا شش سال تحصیل کاهش می‌یابد (سازمان جهانی بهداشت، ۲۰۰۹). این کودکان که در مقاطع پایین تحصیلی ترک تحصیل کردند، بعد از بدنیآ آمدن فرزندشان، تبدیل به مادران بی‌سواد و دارای استرس می‌شوند که قادر به مشارکت با کودکانشان در امور تحصیلی آن‌ها نیستند، در نتیجه آن‌ها توسط فرزندان خود نادیده گرفته می‌شوند و توانایی ایجاد یک محیط دوستانه برای آن‌ها را ندارند (رحمان^۶، ۲۰۰۵). ازدواج کودک با دستیابی به تحصیلات پایین، استفاده کم‌تر از خدمات مراقبت‌های بهداشتی پیشگیرانه، قدرت چانه‌زنی کم‌تر در خانواده، سواستفاده فیزیکی و خشونت خانگی در ارتباط است (جنسن و تورنتون^۷، ۲۰۰۳؛ فیلد و آمبراس^۸، ۲۰۰۸؛ چاری^۹ و همکاران، ۲۰۱۷). علی‌رغم این شواهد، تحقیقات کمی این سوال

¹ Mathur S, Greene M, Malhotra A

² Ahmed

³ World Health Organisation

⁴ Preston-Whyte EM

⁵ Singh S

⁶ Ragman

⁷ Jensen, Robert, and Rebecca Thornton

⁸ Field, Erica, and Attila Ambrus

⁹ Chari

مهم را مورد بررسی قرار داده است که چرا چنین عملی در بسیاری از کشورها رواج دارد و ممکن است چه سیاست‌هایی موثر برای کاهش آن‌ها باشد. کمیسیون جمعیت و توسعه (CPD)^۱ در سال ۲۰۱۲ اعلام کرد که "نگران این است که ازدواج زودهنگام و اجباری و روابط جنسی اجباری، اثرات مضر جسمی، اجتماعی و روان‌شناختی بر نوجوانان و دختران جوان داشته باشند و ازدواج زودهنگام و اجباری افرادی که می‌توانند در مهارت‌های قابل‌استخدام پرورش یابند و در توسعه اجتماعی شرکت کنند را کاهش دهند.

انتقال منابع بین همسران و خانواده‌هایشان، عنصری حیاتی در فرهنگ ازدواج بسیاری از کشورهای در حال توسعه می‌باشد. شیربها و جهیزیه و قیمت عروس اغلب انواع شناخته‌شده انتقال منابع ازدواج هستند. قیمت عروس^۲ یک انتقال نقدی در ازای عروس از طرف داماد به خانواده عروس است. استدلال شده است که این روش انگیزه در والدین ایجاد می‌کند تا دختران خود را به داماد برای دریافت قیمت عروس بفروشند که خود موجب تشویق اجباری به ازدواج زودهنگام است. دخترها از مدرسه حذف می‌شوند تا هر چه زودتر ازدواج کنند تا خانواده‌ها بتوانند پول نقد دریافت کنند. شواهد عینی نشان می‌دهند که عروس جوان، قیمت عروس بیشتری دارد، چون نداشتن رابطه جنسی را تضمین می‌کنند (بسرپ^۳، ۱۹۷۰؛ گروسبارد^۴، ۱۹۷۸؛ بکر^۵، ۱۹۸۱؛ جیولیانا^۶، ۲۰۱۴؛ گودی و تامبیا^۷، ۱۹۷۳؛ بتوچینی و سیو^۸، ۲۰۰۳ و مایترا^۹، ۲۰۰۷).

کورنو و وونا^{۱۰} (۲۰۲۱)، برای بررسی نوسانات درآمد در بین خانوارهای روستایی در تانزانیا، که در آن قیمت عروس مرسوم است و ازدواج کودکان تحقیقی انجام داده‌اند آن‌ها به این نتیجه رسیدند والدینی که در معرض شوک‌های درآمدی (برای مثال تغییرات در بارش باران و تاثیر آن در چرخه‌ی زندگی) قرار دارند، احتمال بیشتری برای ازدواج دخترانشان در سنین کودکی برای دریافت قیمت عروس وجود دارد.

معمولاً دخترها مجبور می‌شوند با مردی ازدواج کنند که بزرگ‌تر از آن‌ها است. بعد از ازدواج باید پیرو شوهران خود و کودکانی که به دنیا می‌آیند باشند، در شرایطی که دانش کاملی از همسر بودن ندارند و حتی اطلاعات کافی درباره رابطه جنسی و زایمان ندارند. برای دخترانی که بدن قوی برای ارتباط جنسی ایمن ندارند، روابط جنسی غیرقابل اجتناب با شوهرانشان می‌تواند ضربه روحی ایجاد کند (رام^{۱۱}، ۲۰۰۵؛ پوری^۱، ۲۰۰۳). رابطه جنسی یک نوع تعامل و رابطه‌ای است که معمولاً با رضایت دو طرفین

¹ Commission on Population and Development

² Bride Price

³ Boserup

⁴ Grossbard

⁵ Becker

⁶ Giuliano

⁷ Goody and Tambiah

⁸ Botticini and Siow

⁹ Maitra

¹⁰ Corno, L., & Voena, A.

¹¹ Ram

طرفین انجام می‌شود اما اساساً بر دخترانی که در کودکی ازدواج کرده‌اند، تحمیل می‌شود که نتیجه آن صدمات جنسی، جسمی و روانی و درد و رنج است که عموماً به عنوان خشونت مربوط به جنسیت^۲ تعریف می‌شود (رام، ۲۰۰۵). اثرات و عواقب ازدواج زودهنگام منجر به حاملگی زود هنگام می‌شود که خطر عوارض بارداری و زایمان را افزایش می‌دهد. افزایش خطر مرگ و یا مشکلات جدی زایمان برای دختران در سنین پایین بیشتر است (سانتیا^۳ و همکاران، ۲۰۱۰). همچنین نشان داده شده است که ازدواج کودک، احتمال ابتلا به اچ آی وی و خشونت‌های خانوادگی را افزایش می‌دهد (کلارک^۴، ۲۰۰۴؛ راج^۵ و همکاران، ۲۰۱۰). علاوه بر آن، کودکان عروس در معرض خطر خشونت، سواستفاده و استثمار قرار دارند (یونیسف، ۲۰۰۹)، حتی حقوق اولیه بشر برای آن‌ها فراهم نشده است. بدلیل این مشکلات روانی و فیزیولوژیکی که رخ می‌دهند سرانجام آن‌ها ممکن است منجر به طلاق یا خودکشی شود (احمد، ۲۰۱۳). نرخ مرگ دختران متاهل بین ۱۵ تا ۱۹ سال برابر با دخترانی است که بعد از ۲۰ سال ازدواج می‌کنند (اسمیت^۶، ۲۰۰۱).

نمایندگانی از سی کشور در شصت و پنجمین مجمع سازمان بهداشت جهانی (مه ۲۰۱۲) در مشارکت خود به بحث درباره "ازدواج‌های زودهنگام، بزرگسالی و بارداری زودهنگام" اشاره کردند که ازدواج زودهنگام در اغلب مکان‌هایی که در آن اتفاق می‌افتد غیرقانونی است؛ این یک تخطی از حقوق دختران است و پیامدهای اجتماعی و اجتماعی زیان‌آور بر دختران نوجوان، خانواده‌ها و جوامع آن‌ها دارد (سازمان جهانی بهداشت، ۲۰۱۲). با این حال، در حالی که محققان پیشنهاد داده‌اند که این تغییرات ممکن است منجر به بهزیستی و سلامت روانی ضعیف شود، تحقیقات نسبتاً کمی به طور خاص بر درک نقش ازدواج کودک در این رابطه تمرکز کرده است. در غرب، جایی که یک بدنه بزرگ ادبیات در رابطه با ازدواج، سلامت روان و بهزیستی وجود دارد، شواهد موجود در رابطه بین ازدواج زودهنگام و سلامت روانی و بهزیستی منفی است (ادمیدز و مورریتی^۷، ۲۰۱۹). یکی از مطالعات انجام شده از سوی ایالات متحده مبنی بر استفاده از داده‌های جمعیتی در میان بزرگسالان ۱۸ سال یا مسن‌تر نشان می‌دهد که در گستره عمر میزان اختلالات روانی در بین زنانی که در کودکی ازدواج می‌کنند، بیشتر است (لی استارت، دوبرت و فول^۸، ۲۰۱۱). تحقیقات از سوی جنوب آسیا نیز حاکی از خطر بالاتری برای افسردگی و خودکشی در میان دختران متاهل به عنوان کودکان، به ویژه به دلیل افزایش میزان قرار گرفتن در معرض خشونت جنسیتی است (راج و همکاران، ۲۰۰۹).

گیج در سال ۲۰۱۲ مطالعه ای در ارتباط با ازدواج کودکان و خطر خودکشی موفقیت آمیز و تلاش برای خودکشی در دختران نوجوان سنین ۱۰-۱۷ سال را در ائیوپیا مورد بررسی قرار داد و به این نتیجه رسید که شانس خودکشی بین دخترانی که ازدواج کرده بودند، به آن‌ها قول ازدواج داده بودند یا از آن‌ها خواستگاری شده بود بیشتر از دختران مجرد است. یافته‌های مطالعه گیج (۲۰۱۲) با یافته‌های ایالات متحده سازگار است مبنی بر اینکه زنان متاهلی که در کودکی ازدواج کردند به احتمال زیاد در

¹ Puri

² gender-related violence

³ Santhya KG

⁴ Clark S

⁵ Raj A

⁶ Smith

⁷ John, N. A., Edmeades, J., & Murithi, L

⁸ Le Strat Y, Dubertret C, Le Foll B

مقایسه با زنانی که در بزرگسالی ازدواج کرده اند، تقریباً ۱،۴۱ برابر بیشتر دارای سابقه طولانی اختلالات روانی^۱ بوده‌اند (لی استارت، دوبرت و فل، ۲۰۱۱)

یافته‌ها خواستار مشارکت اجتماعی قوی‌تر در پیش‌گیری از ازدواج کودکان و حمایت روحی از سلامت کودکان است. ارتباط منفی بین مشارکت بالای جامعه در پیش‌گیری از ازدواج کودک و تفکر خودکشی در راستای تجزیه و تحلیل قرار گرفت که نشان می‌دهد سرمایه اجتماعی از خودکشی در دختران محافظت می‌کند (لانجیل^۲ و همکاران، ۲۰۱۲) همچنین سیاست‌های دولت یا غیر دولتی با هدف آموزش خانواده و جامعه، افزایش آگاهی‌ها در مورد والدین و توانمندسازی دختران از طریق آموزش و اشتغال می‌تواند به توقف ازدواج‌های زود هنگام کمک کند (رحمان، ۲۰۰۵).

افت تحصیلی امروز یکی از نگرانی‌های مهم خانواده‌ها و دست اندرکاران تعلیم و تربیت است. همه ساله تعداد بسیاری از دانش‌آموختگان در کشورهای مختلف جهان با پدیده‌ای به نام افت تحصیلی مواجه‌اند. این پدیده علاوه بر زیان‌های هنگفت اقتصادی که به خاطر تکرار پایه یا صرف هزینه مجدد برای دانش‌آموخته انجام می‌پذیرد، آثار سوئی بر سلامت روحی دانش‌آموز بر جای می‌گذارد. افت تحصیلی علاوه بر آثار سوء اقتصادی در شکل ملی تأثیری ناگوار بر سلامت روانی دانش‌آموزان داشته و نگرانی نامطلوبی برای خانواده‌ها به دنبال دارد.

شکست تحصیلی بر دانش‌آموز و کل اعضای خانواده تأثیرگذار است (ریم، ترجمه آزادمنش، ۱۳۹۰). علل و عوامل گوناگونی موجب افت تحصیلی در نظام آموزش و پرورش می‌شوند که می‌توان آن‌ها را در ۳ دسته تقسیم‌بندی نمود (مقیمی، خنیفر، زورندی، جوکار، بیان معمار و فرجی ارمکی، ۱۳۸۹):

۱- عوامل فردی: هوش، انگیزه و عزت نفس

۲- عوامل آموزشی: روابط بین معلم و دانش‌آموز، شرایط و امکانات تحصیلی

۳- عوامل خانوادگی: شرایط عاطفی خانواده، شرایط اجتماعی و خانوادگی، تعداد افراد خانواده، تحصیلات و سطح سواد در خانواده، اشتغال دانش‌آموزان، ارتباط بین اولیاء و مربیان، اثرات وسایل ارتباط جمعی، حاکمیت ارزش‌های مادی.

نوجوانان و جوانان بین ۱۵ تا ۲۹ سالگی بیش‌تری آسیب‌پذیری را در بین گروه‌های سنی دارند، به طوری که خودکشی دومین عامل مرگ‌ومیر در بین این گروه سنی است (ما، باترما، کالین و هان^۳، ۲۰۱۶). بعضی از پژوهشگران عنوان کرده‌اند که سبب‌شناسی در جوانان کم سن و سال به دلیل این‌که این مرحله از زندگی با تغییرات سریع مانند، تغییر در خلق‌وخو، بنیان خانوادگی، ترک خانواده، افزایش دسترسی به مواد و الکل، مشکلات اجتماعی، مالی و تحصیلی همراه است، از سایر سنین متفاوت است (ویلکاکس و همکاران^۴، ۲۰۱۰).

¹ psychiatric disorders

² Langille

³ Ma, Batterham, Calear, Han

⁴ Wilcox & et al

از نظر آموزشی اهمیت خانواده فقط محدود به ایجاد شرایط اقتصادی مناسب برای فرزندان نمی‌شود، بلکه ضروری است والدین علاقه و توجه جدی همراه با خردورزی نسبت به تحصیل فرزندان خود داشته باشند، چون چنین توجهی ارتباط مثبت و مستقیم با پیشرفت تحصیلی فرزندان دارد (فونتانا، ترجمه حق‌گو، ۱۳۹۲). واقعیت این است که بدون وجود والدینی وظیفه‌شناس و پیگیر که مقدار زیادی از وقت خود را صرف ارتباط و تعامل صحیح با فرزندان خودشان کنند، موفقیت تحصیلی به وجود نخواهد آمد، چرا که اگر افراد مهر و محبت والدین خود را حس نکنند، الگوهای تعلیم و تربیت، آنان را به موفقیت نزدیک نخواهند کرد (چاپمن^۱، ۱۹۹۵؛ ترجمه موحد، ۱۳۹۸).

ارتباط بین افت تحصیلی و خودکشی در بین نوجوانان را می‌توان به روابط ناکارآمد بین آن‌ها و والدینشان نسبت داد، روابط ضعیف و ناکارآمد بین والدین و کودکان باعث می‌شود که فرزندان از استرس تحصیلی در رنج باشند و احساس کند از نظر اجتماعی مورد حمایت نیستند و در مواقع مشکلات احساس تنهایی می‌کنند (کیم و لی^۲، ۲۰۱۳). از طرفی می‌توان گفت که چنین روابط ضعیفی بر عزت‌نفس فرزندان که یکی از عوامل خودکشی است تأثیر منفی می‌گذارد (قربانی امیر و احمدی گاتاب^۳، ۲۰۱۱). طبق یافته‌های حاصل از پژوهش (دلیری، رستمی، سایه میری، کریمی، دلپیشه، ۱۳۹۴) بیش‌ترین علت اقدام به خودکشی مربوط به مشکلات خانوادگی و کم‌ترین علت، مربوط به شکست تحصیلی بوده است.

¹.Chapman

².Kim & Lee

³.GhorbaniAmir, & AhmadiGatab

منابع

- چاپمن، گری. (۱۹۹۵). پنج نشانه خانواده سرشار از عشق. ترجمه سیمین موحد (۱۳۹۸). تهران: نشر ویدا.
- دلیری، سلمان؛ رستمی، چنگیز؛ سایه میری، کوروش؛ کریمی، آرزو؛ دلپیشه، علی. (۱۳۹۴). بررسی علل و شیوه‌های اقدام به خودکشی در ایران طی سال‌های ۱۳۹۳-۱۳۸۰: یک مطالعه مرور سیستماتیک و فراتحلیل، مجله کومش_جلد ۲۰، شماره ۳ (پیاپی ۷۱)، تابستان ۱۳۹۷
- ریم، سیلویا. (۱۳۹۰). وقتی که فرزندان باهوش نمره‌های کم می‌گیرند (ترجمه ناهید آزادمنش). تهران: انتشارات صابرین (کتاب‌های دانه).
- فونتانا، دیوید. (۱۳۹۲). روان‌شناسی برای معلم (ترجمه عفت‌الله حق‌گو). تهران: انتشارات شباهنگ.
- مقیم، سیدمحمد؛ خنیفر، حسین؛ زروندی، نفیسه؛ جوکار، احمد؛ بیان معمار، سیداحمد؛ فرجی ارمکی، اکبر. (۱۳۸۹). مطالعه و بررسی رابطه بین عوامل آموزشی و افت تحصیلی در میان دانش آموزان پسر آموزشگاه‌های راهنمایی. فصلنامه مدیریت و برنامه ریزی در نظام‌های آموزشی، دوره ۳، شماره ۴، بهار ۱۳۸۹، ۱۶۰-۱۴۴

Ahmed1&2, S., Khan, S., Alia, M., & Noushad, S. (2013). Psychological impact evaluation of early marriages. *International journal of endorsing health science research*, 1(2), 84-86.¹

Boserup, E. (1989). *Woman's role in economic development* (No. 305.4 B743). Earthscan.

Botticini, M., & Siow, A. (2003). Why dowries?. *American Economic Review*, 93(4), 1385-1398.

Chari, A. V., Heath, R., Maertens, A., & Fatima, F. (2017). The causal effect of maternal age at marriage on child wellbeing: Evidence from India. *Journal of Development Economics*, 127, 42-55.

Clark, S. (2004). Early marriage and HIV risks in sub-Saharan Africa. *Studies in family planning*, 35(3), 149-160.

Ethiopia. *BMC public health*, 19(1), 1-12.

Field, E., & Ambrus, A. (2008). Early marriage, age of menarche, and female schooling attainment in Bangladesh. *Journal of political Economy*, 116(5), 881-930.

Gage, A. J. (2013). Association of child marriage with suicidal thoughts and attempts among adolescent girls in Ethiopia. *Journal of Adolescent Health*, 52(5), 654-656.

Giuliano, P. (2015). The role of women in society: from preindustrial to modern times. *CESifo Economic Studies*, 61(1), 33-52.

Goode, W. J. (1963). *World revolution and family patterns*. New York, NY: The Free Press of Glencoe.

Grossbard, A. (1978). Towards a marriage between economics and anthropology and a general theory of marriage. *The American Economic Review*, 68(2), 33-37.

Jensen, R., & Thornton, R. (2003). Early female marriage in the developing world. *Gender & Development*, 11(2), 9-19.

John, N. A., Edmeades, J., & Murithi, L. (2019). Child marriage and psychological well-being in Niger and

Langille DB, Asbridge M, Kisley S, et al. Suicidal behaviors in adolescents in Nova Scotia, Canada: Protective associations with measures of social capital. *Soc Psychiatry Psychiatr Epidemiol* 2012;47:1549e55.

Le Strat Y, Dubertret C, Le Foll B. Child marriage in the United States and its association with mental health in women. *Pediatrics*. 2011;128(3):524-30.

Maitra, S. (2007). Dowry and bride price. *International encyclopedia of the social sciences*, 2.

Mathur, S., Greene, M., & Malhotra, A. (2003). Too young to wed: the lives, rights and health of young married girls.

Preston-Whyte, E. M., Zondi, M., Mavundla, G., & Gumede, H. (1990). Teenage Pregnancy, Whose Problem? Realities and Prospects for Action in Kwazulu/Natal. *Southern African Journal of Demography*, 3(1), 11-20.

Puri, M., & Cleland, J. (2004). Extent of sexual coercion among young female migrant carpet and garment factory workers in Nepal.

Rahman, M. M., & Kabir, M. (2005). Do adolescents support early marriage in Bangladesh? Evidence from study. *JNMA; journal of the Nepal Medical Association*, 44(159), 73-78.

Raj, A., Saggurti, N., Lawrence, D., Balaiah, D., & Silverman, J. G. (2010). Association between adolescent marriage and marital violence among young adult women in India. *International Journal of Gynecology & Obstetrics*, 110(1), 35-39.

Ram, N. D. U. (2010). Associations Between Early Marriage and Young Women's Marital and Reproductive Health Outcomes: Evidence from India. *International Perspectives on Sexual and Reproductive Health*, 36(3), 132-139.

Santhya, K. G., Ram, U., Acharya, R., Jejeebhoy, S. J., Ram, F., & Singh, A. (2010). Associations between early marriage and young women's marital and reproductive health outcomes: evidence from India. *International perspectives on sexual and reproductive health*, 132-139.

Singh, S. (1998). Adolescent childbearing in developing countries: a global review. *Studies in Family Planning*, 29(2), 117-137.

Sixty-fifth World Health Assembly: Committee a: provisional summary record of the eight meeting. Geneva: WHO; 2012.

Smith, G. C., & Pell, J. P. (2001). Teenage pregnancy and risk of adverse perinatal outcomes associated with first and second births: population based retrospective cohort study. *BMJ: British Medical Journal*, 323(7311), 476.

UNICEF. 2019. \Updated data on the prevalence of child marriage." <https://data.unicef.org/topic/child-protection/child-marriage/>.

United Nations Children's Fund. Ending Child Marriage: Progress and prospects. New York: UNICEF; 2014.

United Nations Children's Fund: Progress for children. A report card for adolescents. New York: UNICEF; 2012.

United Nations Children's Fund: State of the World's children, 2009. New York: UNICEF; 2009

United Nations Children's Fund: State of the World's children. Adolescence –an age of opportunity. New York: UNICEF; 2011.

United Nations Commission on Population and Development: 45th Session. April 2012. Draft resolution on adolescents and youth, E/CN.9/2012/8

World Health Organisation: Women and health. Today's evidence. Tomorrow's agenda. Geneva: WHO; 2009.

Ghorbani Amir, H., & Ahmadi Gatab, T. (2011). The study of relationship between child raising and self-esteem among both male and female students. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 30, 2019-2026. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2011.10.391>

Ma J, Batterham PJ, Calear AL, Han J. A. (2016). systematic review of the predictions of the Interpersonal– Psychological Theory of Suicidal Behavior. *Clinical Psychology Review*. 46:34-45.

Kim, E., & Lee, M. (2013). The reciprocal longitudinal relationship between the parent-adolescent relationship and academic stress in Korea. *Social Behavior and Personality: an international journal*,41(9), 1519-1531. <https://doi.org/10.2224/sbp.2013.41.9.1519>